بسم الله الرحمن الرحیم

نویسنده: گروه تحقیقاتی رد شبهات ملحدین

فروردین - ۱۳۹۶

نظافت و پاکی در اسلام

برخی از اسلام‌ستیزهای ایرانی مع الاسف از روی جهل و نادانی با ردیف کردن چند اثر روایی از برخی شخصیتهای مسلمان خواسته‌اند که بگویند اسلام با نظافت فردی میانه‌ای ندارد، در حالی که استنباط و فهم این معترضان ناآگاه کاملاً اشتباه می‌باشد... در این مقاله ابتدا به بیان مختصری از نظافت فردی در اسلام با استناد به نصوص اسلامی و سیره پیامبرﷺ که معیار و سنجش نزد ما است می‌پردازیم سپس – ان شاء الله – به شبهاتی که این آقایان معترض مطرح نموده‌اند نیز پاسخ کافی خواهیم داد.

خداوند پاکیزگی را دوست دارد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ **اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِين**﴾[1] یعنی: « خدا کسانی را که خواهان پاکی‌اند دوست می‌دارد.» و در حدیثی از پیامبرﷺ نقل شده که فرموده: «**إن الله نظيف يحب النظافة**»[2] یعنی: «همانا خداوند پاکیزه است و پاکیزگی را دوست می‌دارد.»

پیامبرﷺ به نظافت و تمیزی و بهداشت شخصی و عمومی بسیار اهمیت می‌داده و بر آن تأکید نموده است. آن‌حضرتﷺ همیشه موی سر و محاسن شریف را شانه می‌کرد و در جلوی آینه می‌ایستاد و لباس خویش را مرتب کرده و مسواک می‌زد، این امور را هرگز چه در حضر و چه در سفر ترک نمی‌کرد، بلکه بر آن مداومت داشت. همچنین از دیگر اموری که در بهداشت شخصی، پیامبر ﷺ بر آن بسیار تأکید نموده است و آن را از مسائل فطری انسان‌ها بر شمرده؛ گرفتن ناخن‌های دست و پا، کوتاهی سبیل، کندن (تراشیدن) موهای زائد بدن می‌باشد. سیده عایشه رضی الله عنها همسرِ پیامبر ﷺ می‌گوید: «**خمس لم يكن النبی صلى الله عليه وسلم يدعهن فی سفر ولا حضر: المرآة، والمكحلة، والمشط، والمدری، والسواک**»[3] یعنی: «پنج چیز را پیامبر ﷺ در سفر و حضر هرگز رها نمی‌کردند؛ آینه، سرمهٔ چشم، شانه، مرتب و صاف کردن موی سر، و مسواک» عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: «**أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: من الفطرة: حلق العانة، وتقليم الأظفار، وقص الشارب**»[4] یعنی: «همانا رسول الله ﷺ فرمودند: پاک کردن و زدودن موی زهار[5] گرفتن و کوتاه کردن ناخن ها و کوتاه کردن موی سبیل از فطرت است.»

---

[1] - توبه / ۱۰۸

[2] - سنن الترمذی، ج ۵، ص ۱۱۱ ح ۲۷۹۹؛ مسند أبی يعلى الموصلی، ج ۲، ص ۱۲۱ ح ۷۹۰، اسناد آن ضعیف است.

[3] - الجامع لأخلاق الراوی وآداب السامع للخطيب البغدادی، ج ۱، ص ۳۸۷ ح ۹۰۱؛ مكارم الأخلاق للخرائطی، ص ۲۶۹ ح ۸۲۸؛ المعجم الاوسط للطبرانی، ج ۵، ص ۲۵۵ ح ۵۲۴۲

[4] - صحيح البخاری، ج ۷، ص ۱۶۰ ح ۵۸۹۰؛ صحيح ابن حبان، ج ۱۲، ص ۲۹۱ ح ۵۴۷۸

[5] - موی عورت

پاکیزگی بدن

پیامبرﷺ می‌فرماید: «**طهروا هذه الأجساد طهركم الله**»[۱] یعنی: «این بدن‌ها را پاکیزه کنید خداوند پاکیزه‌تان کند.» باتوجه به نصوص وارده در اسلام، حمام رفتن و شستن بدن در هفته واجب بوده و جزو حق النفس قلمداد شده، بطوری که ترک آن گناه شرعی است. سیدنا رسول الله فرموده: «**حق على كل مسلم، أن يغتسل في كل سبعة أيام يوما يغسل فيه رأسه وجسده**»[۲] یعنی: «بر هر مسلمان واجب و ضروری است که در هر هفت روز، یک بار غسل نماید، و سر و بدن خود را بشوید.»

پاکیزگی موی سر و لباس

جابر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: «**أتانا رسول الله صلى الله عليه وسلم فرأى رجلا شعثا قد تفرق شعره فقال: أما كان يجد هذا ما يسكن به شعره، ورأى رجلا آخر وعليه ثياب وسخة، فقال أما كان هذا يجد ماء يغسل به ثوبه**»[۳] یعنی: «رسول‌اللهﷺ نزد ما آمد و چشمش به مردی افتاد که موهایش ژولیده و نامرتب بود. آن‌حضرتﷺ فرمود: آیا این مرد چیزی پیدا نکرد که با آن موهای خود را مرتب کند؟ و مرد دیگری را دید که لباس‌های چرکین به تن داشت، فرمود: آیا این مرد آبی پیدا نکرده که لباسش را بشوید؟» و در حدیث صحیح دیگر پیامبرﷺ فرموده: «**من كان له شعر فليكرمه**»[۴] یعنی: «هرکس دارای موی [سر و محاسن] است پس آن را تکریم نماید.» منظور از تکریمِ موی سر و چهره، یعنی باید آن را تزین نماید، و با شستن پاکیزه کند و روغن بزند و آن را فروهشته کند و اینکه موی سر را پراکنده رهایش نکند از این رو پاکیزگی و زیبارویی مورد پسند است.[۵] در حدیث دیگری، مالک بن نضله رضی الله عنه می‌گوید: «**أتيت النبي صلى الله عليه وسلم في ثوب دون، فقال: ألك مال؟ قال: نعم، قال: من أي المال؟ قال: قد آتاني الله من الإبل، والغنم، والخيل، والرقيق، قال: فإذا آتاك الله مالا فلير أثر نعمة الله عليك، وكرامته**»[۶] یعنی: «نزد رسول اللهﷺ آمدم و لباس فرسوده‌ای بر تن داشتم. آن‌حضرتﷺ فرمود: آیا مالی داری؟ گفتم: بلی دارم، فرمود: از کدام جنس مال؟ گفتم: خداوند به من ارزانی داشته از شتر و گوسفند و اسب و بردگان. فرمود: پس مادام که خداوند به تو مالی را اعطا نموده باید آثار نعمت و کرامت خداوند بر تو دیده شود.» باتوجه به این حدیث نیکو

---

۱ - **المعجم الأوسط للطبرانی، ج ۵، ص ۲۰۴ ح ۵۰۸۷؛ مجمع الزوائد ومنبع الفوائد للهیثمی، ج ۱۰، ص ۱۲۸ ح ۱۷۰۷۴ : «رواه الطبرانی فی الأوسط، وإسناده حسن»؛ الترغیب والترهیب للمنذری، ج ۱، ص ۲۳۱ ح ۸۷۹ : «رواه الطبرانی فی الأوسط بإسناد جید»**

۲ - **صحیح البخاری، ج ۲، ص ۵ ح ۸۹۸؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۵۸۲ ح ۸۴۹**

۳ - **سنن أبی داود، ج ۴، ص ۵۱ ح ۴۰۶۲؛ مسند أبی یعلی الموصلی، ج ۴، ص ۲۳ ح ۲۰۲۶؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۲، ص ۲۹۴ ح ۵۴۸۳؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۴، ص ۲۰۶ ح ۷۳۸۰ : «هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین ولم یخرجاه»**

۴ - **سنن أبی داود، ج ۴، ص ۷۶ ح ۴۱۶۳؛ المعجم الأوسط للطبرانی، ج ۸، ص ۲۲۹ ح ۸۴۸۵، حدیث صحیح.**

۵ - **عون المعبود شرح سنن أبی داود – عظیم آبادی، ج ۱۱، ص ۱۴۷: «أی فلیزینه ولینظفه بالغسل والتدهین والترجیل ولا یترکه متفرقا فإن النظافة وحسن المنظر محبوب»**

۶ - **سنن أبی داود، ج ۴، ص ۵۱ ح ۴۰۶۳؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۶۴ ح ۲۰۰۶. حدیث صحیح.**

گرداندن لباس بوسیلهٔ پاکیزه نمودن، و در صورت امکان تازه و نو کردن بدون زیاده‌رویی در آن قابل استنباط است.[۱] اهتمام پیامبرﷺ به نظافت بخصوص تنظیف لباس، جزو امور غیر قابل انکار می‌باشد. سیدنا رسول‌اللهﷺ فرموده: «**البسوا البياض فإنها أطهر وأطيب**»[۲] یعنی: «لباس سفید بر تن کنید، زیرا آن پاکیزه‌تر و بهتر است.» سفارش به پوشیدن لباس سفید به خاطر این است که اگر لکه‌ای بر آن بیافتد و یا چرکین شود بهتر تشخیص داده می‌شود و می‌توان آن را به راحتی با آب پاکیزه نمود.

شستن دست ها قبل و بعد از غذا خوردن و قبل از خواب

سیده عایشه رضی الله عنها می‌گوید: « **أن رسول الله صلى الله عليه وسلم: إذا أراد أن ينام وهو جنب توضأ، وإذا أراد أن يأكل غسل يديه** »[۳] یعنی: «رسول اللهﷺ هرگاه می‌خواست بخوابد در حالی که جنب بود وضو می‌گرفت و هرگاه می‌خواست غذا بخورد دست‌هایش را می‌شست.» و در حدیثی دیگر سلمان فارسی رضی الله عنه از پیامبرﷺ نقل کرده است که فرمود: «**بركة الطعام الوضوء قبله، والوضوء بعده**»[٤] یعنی: «برکت غذا در وضوء[٥] گرفتن قبل و بعد از آن است.» و از انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده که گوید رسول اللهﷺ فرموده: «**من أحب أن يكثر الله خير بيته، فليتوضأ إذا حضر غداؤه، وإذا رفع**»[٦] یعنی: «هرکس دوست دارد که خداوند خانه‌اش را برکت زیاد دهد پس وضو بگیرد هرگاه غذایش را حاضر کند و هنگامی که از آن دست بکشد.» در حدیث صحیح دیگر آن‌حضرتﷺ فرموده: «**من نام وفي يده غمر، ولم يغسله فأصابه شيء، فلا يلومن إلا نفسه**»[۷] یعنی: «هرکس بخوابد و دستش چرکین باشد و آن را نشوید پس اگر دچار مشکلی شد کسی را بجز خودش را سرزنش نکند.»

امام غزالی دربارهٔ شستن دست‌ها می‌گوید: «دست‌ها در برخورد با انجام کارها خالی از چرک و کثافت نیستند و لذا شستن آنها نزدیک‌تر به پاکیزگی و دوری از بدی‌ها است چرا که خوردن به قصد یاری رساندن دین خودش عبادت می باشد از این رو شایسته است که قبل از آن از طریقی که برای پاکیزگی برای نماز عمل می‌شود، بدان

---

۱ - **شرح السنة للبغوى، ج ۱۲، ص ۴۹ : «هذا فى تحسين الثياب بالتنظيف، والتجديد عند الإمكان من غير أن يبالغ فى النعامة والدقة.» همچنين بنگريد به: [تحفة الأحوذى بشرح جامع الترمذى – المباركفورى، ج ۶، ص ۱۲۲]**

۲ - **سنن الترمذى، ج ۵، ص ۱۱۷ ح ۲۸۱۰ ؛السنن الكبرى للنسائى، ج ۲، ص ۴۱۰ ح ۲۰۳۴؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۸۱ ح ۳۵۶۷ ؛المستدرک على الصحيحين للحاكم، ج ۱، ص ۵۰۶ ح ۱۳۰۹. حديث صحيح.**

۳ - **السنن الكبرى للنسائى، ج ۱، ص ۱۷۱ ح ۲۵۰؛ صحيح ابن حبان، ج ۴، ص ۲۰ ح ۱۲۱۸، حديث صحيح.**

۴ - **سنن أبى داود، ج ۳، ۳۴۵ ح ۳۷۶۱؛ سنن الترمذى، ج ۴، ص ۲۸۱ ح ۱۸۴۶؛ مسند البزار، ج ۶، ص ۴۸۶ ح ۲۵۱۹؛ المستدرک على الصحيحين للحاكم، ج ۳، ص ۶۹۹ ح ۶۵۴۶**

۵ - **منظور از وضوء در اينجا وضوى شرعى نيست بلكه معنى لغوى وضوء است كه حمل بر شستن دست‌ها مى‌باشد. [غذاء الألباب فى شرح منظومة الآداب – السفارينى، ج ۲، ص ۱۳۰]**

۶ - **سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۸۵ ح ۳۲۶۰؛ شعب الإيمان للبيهقى، ج ۸، ص ۸، اسناد آن ضعيف است.**

۷ - **سنن أبى داود، ج ۳، ص ۳۶۶ ح ۳۸۵۲؛ سنن الترمذى، ج ۴، ص ۲۸۹ ح ۱۸۶۰؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۹۶ ح ۳۲۹۷؛ صحيح ابن حبان، ج ۱۲، ص ۳۲۹ ح ۵۵۲۱؛ المستدرک على الصحيحين للحاكم، ج ۴، ص ۱۵۲ ح ۷۱۹۷**

اقدام کرد.»[1] علماء در مستحب بودن شستن دست‌ها قبل و بعد از غذا اختلاف دارند، که قول اظهر (صحیح‌تر) این است که در ابتدا مستحب است مگر اینکه دست‌ها از نجاست و چرک پاکیزه باشد، و همچنین بعد از فراغت از غذا خوردن، شستن دست‌ها مستحب می‌باشد مگر اینکه آثار غذا بر دست‌ها باقی نمانده باشد و اگر خشک است لازم نیست آن شسته شود.[2] و در تفصیل آن نزد جمهور علماء شستن دست‌ها قبل از غذا خوردن مستحب می‌باشد.[3] لکن شستن دست‌ها بعد از غذا خوردن به اتفاق علماء مستحب است.[4] شستن دست‌ها جزو آداب اسلامی است که در کتاب‌های فقهی بر آن تأکید شده است.[5] لازم به تذکر است که در گذشته به علت کمبود امکانات و عدم وجود لوله کشی آب در خانه‌ها دسترسی به آب بسیار سخت و مشقت‌بار بوده لذا غالباً وقتی که بر سر سفره جمع می‌شدند قبل از تناول غذا دست‌ها را بصورت دسته جمعی می‌شستند به این صورت یک نفر که مسئول آن بود با تشتی می‌آمد و کسانی که بر سر سفره بودند بر روی دست آنها یکی یکی آب می‌ریخت و آنها نیز دستشان را می‌شستند تا اینکه تشت پر میشد و آنگاه آن را دور می‌ریختند.

شستن دست‌ها بعد از خواب

سیدنا رسول الله ﷺ می‌فرماید: « **إذا استيقظ أحدكم من نومه، فلا يدخل يده في الإناء حتى يغسلها** »[6] یعنی: «هرگاه یکی از شما از خواب بیدار شد، پس دستش را در ظرف [آب یا غذا] نیاندازد تا اینکه دستش را بشوید.» علماء اتفاق نظر دارند که شخص هر وقت از خواب بلند شد دست‌هایش را بشوید.[7] لذا نزد جمهور علماء شستن دستها بعد از خواب مندوب (سنت) است[8] و برخی هم آن را واجب دانسته‌اند، زیرا نهی در حدیث مذکور را حمل بر نهی تحریمی کرده‌اند لکن جمهور علماء گفتند که این نهی برای تحریم نیست بلکه نهی تنزیهی می‌باشد.[9]

---

[1] - إحياء علوم الدين - أبو حامد الغزالي، ج ۲، ص ۳: «أن اليد لا تخلو عن لوث فى تعاطى الاعمال فغسلها أقرب إلى النظافة والنزاهة لان الاكل لقصد الاستعانة على الدين عبادة فهو جدير بأن يقدم عليه ما يجرى منه مجرى الطهارة من الصلاة»

[2] - المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج – النووى، ج ۴، ص ۴۶: «واختلف العلماء فى استحباب غسل اليد قبل الطعام وبعده والاظهر استحبابه أولا إلا أن يتيقن من نظافة اليد من النجاسة والوسخ واستحبابه بعد الفراغ الا أن لايبقى على اليد أثر الطعام بأن كان يابسا ولم يمسه بها » همچنین بنگرید به : [شرح سنن أبى داود – بدرالدين العينى، ج ۱، ص ۴۵۱؛ الآداب الشرعية - ابن مفلح، ج ۳، ص ۲۲۱]

[3] - الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۳۵، ص ۳۲

[4] - منبع قبل، ج ۴۵، ص ۲۷۰: «اتفق الفقهاء على أنه يستحب غسل اليدين بعد الاكل»

[5] - نگا: [الاقناع لابن المنذر، ج ۲، ص ۶۳۷؛ الفقه الاسلامى وأدلته – الزحيلى، ج ۴، ص ۲۶۲۲؛ موسوعة الفقه الاسلامى - محمد بن إبراهيم التويجرى، ج ۲، ص ۸۴]

[6] - صحيح البخارى، ج ۱، ص ۴۳ ح ۱۶۲؛ صحيح مسلم، ج ۱، ص ۲۳۳ ح ۲۷۸؛صحيح ابن خزيمة، ج ۱، ص ۵۲ ح ۹۹؛ صحيح ابن حبان، ج ۳، ص ۳۴۴ ح ۱۰۶۱؛ سنن أبى داود، ج ۱، ص ۲۵ ح ۱۰۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۳۹ ح ۳۹۴

[7] - اختلاف الائمة العلماء – ابن هبيرة، ج ۱، ص ۴۱: «واتفقوا على استحباب غسل اليدين عند القيام من نوم الليل ثلاثا.»

[8] - فتح البارى شرح صحيح البخارى لابن حجر، ج ۱، ص ۲۶۳: «الأمر عند الجمهور على الندب»

[9] - عون المعبود شرح سنن أبى داود- عظيم آبادى، ج ۱، ص ۱۲۳: «وفيه النهى عن غمس اليد فى الاناء قبل غسلها وهذا مجمع عليه لكن أكثر العلماء على أنه نهى تنزيه لا تحريم ...»

نمازهای یومیه، بهداشت بدن

ابوهریره ﷺ می‌گوید: «**رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: أرأيتم لو أن نهرا بباب أحدكم يغتسل فيه كل يوم خمسا، ما تقول: ذلك يبقي من درنه قالوا: لا يبقي من درنه شيئا، قال: فذلك مثل الصلوات الخمس، يمحو الله به الخطايا**»[1] یعنی: «رسول الله ﷺ می‌فرمود: اگر مقابل منزل کسی نهر آبی باشد و او روزی پنج بار، در آن، غسل نماید، – چه می‌گوئید – آیا چرکی بر بدن او باقی خواهد ماند؟ صحابه عرض کردند: نه. رسول‌الله ﷺ فرمود: نمازهای پنجگانه چنین اند. خداوند بوسیله آنها گناهان را از بین می‌برد.» در این تمثیل، پیامبر ﷺ معقول را مانند محسوس قرار داده است[2] که این مثال دلالت بر بهداشتی است که در پی انجام وضو[3] برای انجام فریضه نماز می‌باشد.

از اموری[4] که پیامبر اسلام ﷺ بسیار مراعت می‌کردند، شستن دست ها، صورت، داخل بینی و دهان، اطراف و درون گوشها، پاها، بطور مداوم بوده و از سنت‌هایی است که در وضو معمولاً هر مسلمان[5] متعهد به تبعیت از پیامبر پاک سیرت آن را رعایت می‌کند.

مسواک کردن دندان‌ها

یکی از مصادیق بارز بهداشت دهان، مسواک و خلال[6] کردن دندان‌ها است که غذایی که فرد در لابه لای دندان‌هایش باقی مانده را تمیز کند تا از پوسیدگی و از بین رفتن آنها جلوگیری نماید[7] و همچنین سبب پاکی دهان گردد.[8] پیامبر اسلام ﷺ بسیار به بهداشت دهان و دندان اهمیت میدادند و در همه حال خاصتاً هر وقت

---

[1] - صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۱۲ ح ۵۲۸ ؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۶۲ ح ۶۶۷

[2] - فتح الباری شرح صحیح البخاری لابن حجر، ج ۲، ص ۱۱

[3] - مائده / ۶ : « يا أَيُّهَا الَّذين آمَنُوا إذا قُمْتُم إلَى الصَّلاة فَاغْسلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إلَى الْمَرافق وَ امْسَحُوا برُؤُسكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إلَى الْكَعْبَيْن»، یعنی : « ای مؤمنان ! هنگامی که برای نماز بپاخاستید (و وضو نداشتید)، صورتها و دستهای خود را همراه با آرنجها بشوئید ، و سرهای خود (همه یا قسمتی از آنها) را مسح کنید، و پاهای خود را همراه با قوزکهای آنها بشوئید .»

[4] - صحیح البخاری ۱ / ۴۰ ح ۱۴۰

[5] - مائده / ۶ ، برای تفصیلات آن بنگرید به : [المغنی لابن قدامة، ج ۱، صص ۸۴ – ۱۰۰]

[6] - سنن أبی داود، ج ۱، ص ۹ ح ۳۵ : « من أكل فما تخلل فليلفظ، وما لاک بلسانه فليبتلع »، یعنی: «کسی که غذائی را خورد پس با خلال آن را دربیارد و اگر نخواست پس با زبانش آن را فرو ببرد.»

[7] - المعجم الکبیر للطبرانی، ج ۱۲، ص ۲۶۵ ح ۱۳۰۶۵ ؛ مجمع الزوائد ومنبع الفوائد للهيثمی، ج ۵، ص ۳۰ ح ۷۹۵۲ ، "رواه الطبرانی ورجاله رجال الصحيح " : «أن فضل الطعام الذی يبقى بين الأضراس يوهن الأضراس »، یعنی: «همانا باقی مانده غذائی که میان دندان هاست، سبب فاسد شدن آن دندان‌ها می‌شود.»

[8] - مسند أبی يعلى الموصلی، ج ۱ ، ص ۱۰۳ ح ۱۰۹ ؛ الآحاد والمثانی لابن أبی عاصم، ج ۲، ص ۴ ح ۶۶۸ : « السواک مطهرة للفم مرضاة للرب عز وجل »، یعنی: «سواک کردن سبب پاکی دهان و خوشنودی پروردگار عزوجل است.»

وارد منزل می‌شدند[۱] یا هنگام نماز و یا، بعد از تغییر دهان ناشی از خوردن چیزی و هنگام برخاستن از خواب، مسواک می‌زدند.[۲]

در کتاب‌های حدیثی و فقهی علمای اسلامی بابی را تحت عنوان «**الطهارة**» گنجانده‌اند که به مسائل نظافتی و پاکی بدن و لباس به تفصیلی پرداختند که همگی مستند به احادیث پیامبر ﷺ که از فعل و عملکرد و صفت بارزۀ آن‌حضرت ﷺ در رعایت نظافت و سفارش بدان است. آیا بعد از آن کسی است بگوید اسلام دین نظافت و پاکی نیست؟!

پاسخ به چند شبهه

شبهه ۱: *مدعی جایگاه پاکیزگی در میان اسلام و مسلمین دروغی بیش نیست و حتی بزرگان اسلام در صدر اسلام کثیف بودند.*

پاسخ:

اولاً آیات و احادیث بسیاری در خصوص نظافت فردی و عمومی و حتی نظافت خانه ها و راه ها و اماکن عمومی در تراث اسلامی آمده است که برای هر مسلمان و دولت حقیقی مبتنی بر اسلام دارای توجه و اهمیت می‌باشد و هرگز قابل انکار نیست.

ثانیاً اینکه جناب معترض ادعا بلکه واقعیت کانال رد شبهات ملحدین مبنی بر توجه اسلام به نظافت و پاکیزگی را تکذیب می‌کند در حقیقت ناشی از عدم آگاهی و بلکه غرض ورزی آنان نسبت به دین اسلام و مسلمان است. اکنون از باب الزام و از زبان یک غیر مسلمان، مطلبی را از کتاب «تاریخ تمدن» اثر آقای ویل دورانت نقل می‌کنیم تا شاهدی بر صدق مدعای ما باشد.

آقای ویل دورانت در بیان تعریف محتوی و مقررات قرآن می‌گوید: «قرآن شامل مقرراتی در خصوص آداب زندگی و بهداشت، ازدواج و طلاق، رفتار با فرزندان و بردگان و حیوانات، تجارت و سیاست، ربا و وام، عقود و وصایا، امور صناعت و مالیه، جرایم و مجازات، و جنگ و صلح است.»[۳] باتوجه به این سخن آقای ویل دورانت،

۱- **نگا** : **صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۲۰ ح ۲۵۳**

۲- **الإقناع فی حل ألفاظ أبی شجاع للشربینی، ج ۱، ص ۳۵**

۳- **تاریخ تمدن، ویل دورانت، ترجمه احمد آرام و دیگران، نشر: تهران، اقبال، ۱۳۳۷، ج ۴، صص ۲۳۰ - ۲۳۱**

آداب بهداشت جزو قوانین و مقررات قرآنی است و بر همین اساس قرآن و آموزه‌های اسلامی به ترغیب مسلمانان در اهتمام و رعایت این قانون مهم پرداخته است چنانچه ویل دورانت در تصدیق آن گوید: «به پیروی مقررات بهداشت ترغیبشان کرد.»[۱] و لذا در تفصیل آن ویل دورانت با بیان اصل قانونی بودن نظافت و پاکیزگی در اسلام، عدم مراعات آن را نسبی و به فقر و ثروت وابسته نموده است آنجا که می‌نویسد: « دین اسلام نظافت تن را تشویق می‌کند، ولی ظاهراً نظافت به درآمد وابسته است. فقیران در کار نظافت آن قدر اهمال می‌کنند که کثافت سراپایشان را بگیرد، و ثروتمندان کیسه می‌کشند، صابون می زنند، ناخن‌های خود را تمیز می‌کنند، و عطر می‌زنند... حمام خصوصی از لوازم خانه اغنیا بود، اما حمام‌های عمومی در شهرهای اسلام فراوان بود. به گفته مورخان، در قرن دهم میلادی ۲۷۰۰۰ حمام در بغداد بوده است.»[۲]

نظافت و پاکیزگی بعد از خداشناسی در اسلام

آقای ویل دورانت می‌گوید: « زمانی بود که برخی از قدیسان مسیحی بدان فخر می‌کردند که نیازی به آب و شستشو ندارند و از آن دوری می‌جستند، و حال آنکه در دین اسلام بر هر فرد واجب بود که پیش از ورود به مسجد یا شروع به نماز خود را غسل دهد. در واقع اسلام پاکیزگی را پس از خداشناسی مهمترین دستور دینی شمرده است.»[۳]

اندلس اسلامی، ضرب المثل پاکیزگی

مؤرخ مصری دکتر محمد عبدالله عنان (متوفی ۱۹۸۶م) در کتاب « **دولة الإسلام في الأندلس**» می‌نویسد: «مردم اندلس در نظافت و پاکیزگی ضرب المثل بودند. در توجه و اهتمام به پاکیزگی بدن و لباس‌هایشان مبالغه و زیاده‌رویی می‌کردند و بسیار به گرمابه می‌رفتند و این بعدها جزو عادات‌شان شد.»[۴] و در تأیید نظر به این مطلب آقای ویل دورانت در تاریخ تمدن می‌گوید: « پاکیزگی و نظافت و نظافت فردی و بهداشت عمومی از جهان مسیحیت معاصر فراتر بود.»[۵]

اروپای مسیحی، نظافت، و تقلید از حمام‌های مسلمانان

---

[۱] - منبع قبل، ج ۴، ص ۲۳۶

[۲] - منبع قبل، ج ۴، ص ۲۸۵

[۳] - منبع قبل، ج ۶، ص ۸۴۶

[۴] - دولة الإسلام فی الاندلس، ج ۵، ص ۴۵۰:« وكان أهل الاندلس مضرب الامثال فی النظافة، يبالغون فی العناية بنظافة أبدانهم وثيابهم، ويكثرون من الاستحمام. وقد كانت هذه العادات فيما بعد»

[۵] - تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۶، ص ۲۴۶

در تاریخ تمدن می‌خوانیم که : «به طور کلی در تعالیم مسیحیت سخن از نکوهش و ترک تن بود، رعایت اصول بهداشتی متضمن اجری نمی‌توانست باشد. رسم جدید گذاشتن دستمال در جیب در آن عهد به کلی بی‌سابقه بود. تقریبا هر کس توانگر بود، نظیف بود، و میزان نظافت بستگی به در آمد شخص داشت. خاوند فئودال و بورژوازی ثروتند تقریبا به طور مرتب در جلیکهای چوبی بزرگ حمام می‌کردند؛ در قرن دوازدهم، با رواج ثروت، پاکیزگی شخص نیز رایج شد. بسیاری از شهرها در آلمان، فرانسه، و انگلستان قرن سیزدهم گرمابه‌های عمومی داشتند. یکی از دانش پژوهان عقیده دارد که پاریسی‌ها در ۱۲۹۲م، بیشتر به گرمابه می‌رفتند تا در قرن بیستم. یکی از ثمرات جنگ‌های صلیبی رواج حمام‌های عمومی بخار در اروپا به تقلید گرمابه‌های مسلمانان بود. کلیسا با گرمابه‌های عمومی نظر خوشی نداشت.»[۱]

شبهه ۲: *عمر بن خطاب هیچ وقت از آب برای شستن خود استفاده نمیکرد. علامه متقی هندی در کنزل العمال به سندش از بیهقی می نویسد:*

"عن مولى عمر يسار بن نمير، قال: كان عمر رضي الله عنه إذا بال قال: " ناولني شيئا أستنجي به " قال: فأناوله العود والحجر، أو يأتي حائطا يمسح به أو يمس الأرض، ولم يكن يغسله "

یسار بن نمیر خدمتکار عمر می‌گوید: هر وقت عمر بول (ادرار) می‌کرد، به من می گفت: «چیزی بیار تا خود را با آن پاک کنم» من هم چوب یا سنگی به او می دادم، یا او خودش (آلتش) را به دیوار یا زمین می مالید و پاک می‌کرد ولی هیچ وقت آن را با آب نمی شست.

کنزل العمال، ج ۹ ، ص ۵۱۹ ، شماره ۲۷۲۴۰ .

پاسخ:

اولاً این اثر هیچ دلالتی بر عدم شستن نمی‌کند، زیرا در آثاری دیگر سبب عدم شستن شرم‌گاه با آب تبین شده است، بنابراین جملهٔ «**لم یکن یغسله**» به این معنی است که آن را نمی‌شست نه اینکه «هیچ وقت» نمی‌شست. معلوم نیست جناب معترض این قید «هیچ وقت» را از کجا آورده است؟! در همان کتاب «کنزالعمال» متقی هندی اثری روایت شده که سبب نشستن شرمگاه بیان گردیده است: عبد الرحمن بن ابی لیلی گوید: «**كان عمر بن الخطاب يبول ثم يمسح ذكره بحجر أو بغيره، ثم إذا توضأ لم يمس ذكره الماء**»[۲] یعنی: «عمر بن خطاب رضي الله عنه بول میکرد بعد از

---

[۱] - **منبع قبل، ج ۴، ص ۱۱۲۵**
[۲] - **کنز العمال – المتقی الهندی، ج ۹، ص ۵۱۹ ح ۲۷۲۳۸**

آن آلتش را به سنگ یا چیزی دیگر میزد سپس هنگامی که وضوء می‌گرفت آلت خود را با آب تماس نمی‌داد.» از این اثر چنین فهم میشود که: اولاً عمر استنجاء با آب را واجب نمی‌دانسته است. ثانیاً عدم استنجاء با آب را به هنگام وضوء گرفتن مقید نموده است. ثالثاً استنجاء با آب را برای غیر وضوء انجام می‌داده است. مؤید آن اثری دیگر است که علامه متقی هندی در «کنزالعمال» از عثمان بن عبدالرحمن تیمی نقل کرده که گوید: « **رأيت عمر بن الخطاب بالبادية وهو يستنجي من الغائط بالماء** »[1] یعنی: «عمر بن خطاب ﷺ را در بیابان دیدم که داشت بوسیلهٔ آب استنجاء غائط می‌کرد.»

ثانیاً این اثر در خصوص استنجاء در قضای حاجت می‌باشد. و استنجاء در لغت به معنی رهایی یافتن از چیزی و در اصطلاح به معنی پاک کردن محلِ خروج ادرار و غائط از نجاست بوسیلهٔ سنگ و امثال آن و یا شستن با آب می‌باشد[2] البته استنجاء فقط مختص برطرف نمودن ادرار و غائط از جلو و عقب است و شامل قسمت‌های دیگر بدن و یا لباس نمی‌شود.[3] نزد جمهور علماء استنجاء کردن موضع ادرار و غائط واجب است.[4] و اصل در استنجاء بوسیلهٔ آب برای از بین بردن نجاسات می‌باشد.[5] در اثری از عمر بن خطاب ﷺ روایت است که: «**استطاب بالماء بين راحلتين**»[6] یعنی: «بین دو پایش را بوسیلهٔ آب استنجاء نمود.» و در اثری دیگر امام مالک بن انس(م ۱۷۹هـ) در کتاب «الموطأ» با اسنادش روایت کرده: « **عمر بن الخطاب يتوضأ بالماء وضوءا لما تحت إزاره** »[7] یعنی: « عمر بن خطاب ﷺ با آب زیر لباس خود را می‌شست.(استنجاء با آب)» منظور از وضوء در اینجا به قرینهٔ «**وضوءا تحت إزاره**»، یعنی استفاده از آب برای استنجاء و پاک کردن[8] و شستن و نظافت نمودن می‌باشد که عموم

---

[1] - منبع قبل، ج ۹، ص ۵۱۹ ح ۲۷۲۴۲
[2] - الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۴۰، ص ۴۷ : «من معاني الاستنجاء لغة: الخلاص من الشيء ... والاستنجاء في الاصطلاح: إزالة ما يخرج من السبيلين سواء بالغسل أو المسح بالحجارة ونحوها عن موضع الخروج وما قرب منه.»
[3] - منبع قبل.
[4] - الفقه الاسلامی وأدلته – الزحیلی، ج ۱، ص ۳۴۵
[5] - منبع قبل، ج ۱، ص ۳۴۶
[6] - مصنف ابن أبی شیبة، ج ۱، ص ۱۴۱ ح ۱۶۲۷؛ مسند الفاروق لابن کثیر، ج ۱، ص ۱۲۴؛ کنز العمال – المتقی الهندی، ج ۹، ص ۵۱۹ ح ۲۷۲۳۹
[7] - موطأ الامام مالک، کتاب الطهارة، باب العمل فی الوضوء، ج ۱، ص ۲۰ ح ۶؛ همچنین بنگرید به : [کنز العمال – المتقی الهندی، ج ۹، ص ۵۲۰ ح ۲۷۲۴۵]
[8] - المنتقی شرح الموطإ – الباجی، ج ۱، ص ۴۶: « وضوءا لما تحت إزاره يريد أنه كان يستعمل الماء في الاستنجاء »

علماء بدان رأی هستند.[۱] و این جوابی برای کسانی است که پنداشتند عمر بن خطاب ﷻ در استنجاء از آب استفاده نمی‌کرده است.[۲]

ثالثاً استنجاء با آب، مستحب است. مستند آن احادیثی است که در کتاب‌های حدیثی آمده است، از جمله: ابوهریره ﷻ از پیامبرﷺ روایت نموده که فرمود: «نزلت هذه الآية في أهل قباء: ﴿فيه رجال يحبون أن يتطهروا﴾ قال: كانوا يستنجون بالماء، فنزلت فيهم هذه الآية»[۳] یعنی: «این آیه: "در آن، مردانی‌اند که دوست دارند خود را پاک سازند" دربارۀ اصحاب مسجد قبا نازل شده که با آب خود را پاک می‌کرده‌اند، پس این آیه دربارۀ آنان نازل شد.» و باز در حدیثی دیگر ابوهریره ﷻ می‌گوید: «دخل رسول الله صلى الله عليه وسلم الخلاء، فأتيته بماء في تور أو ركوة، فاستنجى به، ومسح يده اليسرى على الأرض، فغسلها، ثم أتيته بإناء فتوضأ»[٤] یعنی: «رسول اللهﷺ وارد توالت شد و برایش در ظرفی کوچک یا سطل چرمی آب آوردن و با آن خود را پاک کرد و دست چپ خود را روی زمین کشاند و آن را شست سپس ظرفی دیگر برایش آوردن و وضوء گرفت.»

شبهه ۳: *کراهت عمر بن خطاب از شستن دستها*

*به سند *معتبر* ابن سعد از "السائب بن یزید" (صحابی صغیر) این چنین نقل میکند:*

قال: أخبرنا سعيد بن منصور قال: أخبرنا عبد العزيز بن محمد عن محمد بن يوسف عن السائب بن يزيد قال: ربما تعشيت عند عمر بن الخطاب فيأكل الخبز واللحم ثم يمسح يده على قدمه ثم يقول: هذا منديل عمر وآل عمر.

سائب بن یزید می گوید : گاه پیش می آمد که شام را با عمر می خوردم او گوشت می خورد دستهایش را با کف پای خود تمیز می کرد و می گفت :این دستمال عمرو خاندان اوست.

الطبقات الکبری ط دار صادر، ج ۳ ، ص ۳۱۸.

کنز العمال، ج ۱۲ ، ص ٦۲٥ ، ش ۳٥۹۲۹

پاسخ:

---

[۱] - **الروضة الندية شرح الدرر البهية – محمد صديق خان، ج ۱، ص ۳۰: « معنى الوضوء هنا الغسل والتنظيف وعليه عامة أهل العلم»**

[۲] - **الاستذكار لابن عبدالبر، ج ۱، ص ۱۴۲: « أدخل مالک هذا الحديث فی الموطأ ردا على من قال عن عمر إنه كان لا يستنجی بالماء»، همچنین بنگرید به : [شرح الزرقانی علی موطأ الامام مالک – الزرقانی، ج ۱، ص ۱۲۷]**

[۳] - **سنن أبی داود، ج ۱، ص ۱۱ ح ۴۴؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۲۸ ح ۳۵۷؛ السنن الكبرى للبيهقی، ج ۱، ص ۱۷۰ ح ۵۱۱. حديث صحيح.**

[۴] - **صحيح ابن حبان، ج ۴، ص ۲۵۱ ح ۱۴۰۵؛ سنن أبی داود، ج ۱، ص ۱۲ ح ۴۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۲۸ ح ۳۵۸؛ السنن الكبرى للبيهقی، ج ۱، ص ۱۷۲ ح ۵۲۰. حديث حسَن.**

اولاً در اسناد این اثر «عبد العزیز بن محمد بن عبید الدراوردی» وجود دارد که «مختلف فیه» است هرچند به خودی خود راستگو بوده لکن بد حافظه بوده و در نقل روایات اشتباه داشته است[۱] همانطور که برخی از ائمه جرح و تعدیل بدان تصریح نموده‌اند.[۲] ابوزرعه گوید: « **سيىء الحفظ ، فربما حدث من حفظه الشىء فيخطىء** » یعنی: «بد حافظ بوده و گاهی از حفظ چیزی را روایت کرده و اشتباه می‌کرد.» ساجی گوید: «**كان من أهل الصدق و الأمانة، إلا أنه كثير الوهم**» یعنی: «اهل راستی و امانت بوده جز اینکه بسیار وهم و اشتباه داشته است.» محمد بن سعد صاحب «طبقات الکبری» نیز می‌گوید: « **كان ثقة كثير الحديث يغلط**» یعنی: « مورد اعتماد بود و حدیث زیاد روایت کرده [لکن] اشتباه می‌کرد.» احمد بن حنبل گوید: « **إذا حدث من كتابه فهو صحيح، و إذا حدث من كتب الناس وهم، و كان يقرأ من كتبهم فيخطىء ، و ربما قلب حديث عبد الله بن عمر يرويها عن عبيد الله بن عمر.**» یعنی: «هرگاه از کتابش روایت کرده صحیح است و هر وقت از کتاب‌های مردم روایت نموده اشتباه داشته و کتاب‌های آنها را می‌خواند و خطا می‌کرد و گاهی دگرگون می‌کرد حدیث عبدالله بن عمر که روایتش کرده از عبیدالله بن عمر. » البته برخی دیگر از علماء او را توثیق کرده‌اند که علی ای حال حدیثش در شواهد و متابعات بدان احتجاج می‌شود.[۳]

ثانیاً در این اثر صراحتی که مبنی بر اکراه عمر بن خطاب ﷺ از استعمال دستمال برای پاک کردن دستها بعد از غذا داشته باشد وجود ندارد و استنباط جناب معترض اشتباه می‌باشد بخصوص اینکه این عمل جزو عادات عمر ﷺ نبوده است. در برخی از آثار دیگر از عبدالله بن عمر روایت است که گوید: « عمر ﷺ نان، و یا گوشت و یا شیر و یا روغن و یا سبزی و یا سرکه را که برایش می‌آوردن تناول می‌کرد سپس انگشتان خود را لیس میزد و کف دست‌ها را به هم می‌مالید و می‌گفت: این دستمال خاندان عمر ﷺ است.»[۴]

---

[۱] -نگا: [تقریب التهذیب – ابن حجر، ص ۳۵۸ رقم ۴۱۱۹]

[۲] - برای اطلاع از نظرات ائمه جرح و تعدیل پیرامون «عبدالعزیز بن محمد الدراوردی» مراجعه شود به : [تهذیب الکمال فی أسماء الرجال – المزی، ج ۱۸، صص ۱۸۷ – ۱۹۵ رقم ۳۴۷۰]

[۳] - شبیه این اثر را باز ابن سعد در «طبقات الکبری» با اسناد ذیل روایت کرده است: «قال: أخبرنا الفضل بن دكين، أخبرنا سفيان بن عيينة، عن عاصم بن عبيد الله بن عاصم، أن عمر كان يمسح بنعليه ويقول: إن مناديل آل عمر نعالهم» یعنی : «عمر با کفش‌هایش دست پاک می‌کرد و می‌گفت: این کفش‌ها دستار خاندان عمر است.» [طبقات الکبری لابن سعد، ج ۳، ص ۳۱۸]، این اثر ضعیف است، زیرا «عاصم بن عبیدالله بن عاصم» از عمر بن خطاب ﷺ حدیث نشنیده است و علاوه بر آن خود او ضعیف می‌باشد. [تهذیب الکمال فی أسماء الرجال – المزی، ج ۱۳، صص ۵۰۰ – ۵۰۶ رقم ۳۰۱۴]

[۴] - مصنف ابن أبی شیبة، ج ۷، ص ۹۷ ح ۳۷۴۷۴: « ابن عمر، قال: كان عمر بن الخطاب يؤتى بخبزه ولحمه ولبنه وزيته وبقله وخله فيأكل، ثم يمص أصابعه ويقول هكذا، فيمسح يديه بيديه، ويقول: هذه مناديل آل عمر». سند صحیح.

ثالثاً این عمل ممکن است در وقت نبود آب و یا دستمال باشد و یا گاهی غذا چرب نبوده است[۱] با این آگاهی که با دست غذا خوردن به تناسب فرهنگ مردمان در مناطق مختلف در آن عصر تفاوت داشته و حتی در این عصر مردمان کشور هند و ... این عمل جزو آداب پسندیده آنان تلقی شده است و بزرگانشان بدان افتخار می‌کنند. و نزد مسلمان‌ها با دست راست غذا خوردن – در صورتی که شسته شده باشد– مستحب می‌باشد. البته شستن دست‌ها قبل و بعد از غذا مستحب است همانطور که قبلاً ادلهٔ آن را بیان کردیم.

رابعاً عمر بن خطاب ﷺ خلیفهٔ مسلمان بود و اگر می‌خواست می‌توانست در بهترین حالت به نسبت حاکمان آن عصر اهل عیش و نوش باشد لکن همیشه راه زهد و خدمت و فروتنی را در پیش گرفت و هرگز تکبر و طمع مال دنیا نداشت. بسیاری از رفتارهای او از جهت تواضع بوده است بطوری که او بر روی زمین می‌خوابید و روی زمین غذا می‌خورد و با مردمش همسفره می‌شد و بهترین غذاها را به مردم و کمترین و خشن‌ترین آن را برای خود نگه می‌داشت. اگر می‌دانست مردمش در غذا و پوشاک کمبود دارند خودش هم راه آنان را در پیش می‌گرفت و تا وقتی که مردمش از آن نعمات بهره‌مند نمی‌شدند او نیز از آن استفاده نمی‌کرد. عمر در خوردن و نوشیدن و پوشش طریق زاهدانه را در پیش گرفته بود[۲] طوری که برخی از اصحاب که قبل از او مسلمان شده بودند می‌گفتند عمر ﷺ در اسلام آوردنش بر ما سبقت نگرفته لکن در زهد و بی رغبتی‌اش به دنیا بر ما برتری داشت.[۳] با این وجود همیشه خود را پاکیزه و آراسته نگه می‌داشت و به حمام می‌رفت و غسل می‌کرد.[٤] اسلم خادم عمر گوید: « أن عمر، كان يتوضأ ويغتسل بالحميم»[٥] یعنی: «عمر ﷺ با آب گرم وضوء می‌گرفت و خود را می‌شست.» از این رو دیگی داشت و در آن آب را می‌جوشاند تا برای وضوء و شستشو استفاده کند.[٦]

شبهه ٤: *پاک کردن خون حیض با آب دهان بخاری در صحیح خود چنین می نویسد:*

حدثنا أبو نُعَيْمٍ قال حدثنا إِبْرَاهِيمُ بن نَافِعٍ عن بن أبي نَجِيحٍ عن مُجَاهِدٍ قال قالت عَائِشَةُ ما كان لِإِحْدَانَا إلا ثَوْبٌ وَاحِدٌ تَحِيضُ فيه فإذا أَصَابَهُ شَيْءٌ من دَمٍ قالت بِرِيقِهَا فَقَصَعَتْهُ بِظُفْرِهَا .

---

۱ - **دراسة نقدية في المرويات الواردة في شخصية عمر بن الخطاب - عبد السلام بن محسن آل عيسى، ج ۱، ص ۲۷۷**

۲ - **دراسة نقدية في المرويات الواردة في شخصية عمر بن الخطاب - عبد السلام بن محسن آل عيسى، ج۱، ص ۲۹۵**

۳ - **مصنف ابن أبي شيبة، ج ۶، ص ۳۵۸ ح ۳۲۰۱۳: «قال سعد بن ابي وقاص: أما والله، ما كان بأقدمنا إسلاما ولكن قد عرفت بأي شيء فضلنا، كان أزهدنا في الدنيا يعني عمر بن الخطاب»، این اثر صحیح است.**

۴ - **دراسة نقدية في المرويات الواردة في شخصية عمر بن الخطاب - عبد السلام بن محسن آل عيسى، ج۱، ص ۲۹۵**

۵ - **الاوسط - ابن المنذر، ج ۱، ص ۲۵۱ ح ۱۶۵. این اثر صحیح است.**

۶ - **نگا: [الاوسط - ابن المنذر، ج۱، ص ۲۵۱ ح ۱۶۶؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۱، ص ۳۱ ح ۲۵۵] : « عن زيد بن أسلم، عن أبيه، قال: كان لعمر قمقم يسخن فيه الماء، فيتوضأ» این اثر صحیح است.**

مجاهد از عائشه نقل کرده است که : هیچ یک از ما (زنان پیامبر) جز یک لباس بیشتر نداشتیم که در آن حیض می‌شدیم، اگر خونی به آن اصابت می‌کرد، با مقداری کمی آب دهن خیس می‌کردیم و سپس با ناخن خود می‌تراشیدیم.
صحیح البخاری، ص ٨٦، ح٣١٢ ، کتاب الحیض ، بَاب هل تُصَلِّی الْمَرْأَةُ فی ثَوْبٍ حَاضَتْ فیه .

پاسخ:

اولاً اگر به خوبی به متن حدیث مذکور دقت کنیم از این حدیث چنین استنباط نمی‌شود که امهات المؤمنین خودشان را نمی‌شستند، و این ناشی از فهم ناقص و اشتباه جناب معترض است که چنین گمانی کرده است! سیده عایشه رضی الله عنها از آغشته شدن لباس به خون حیض و آثار باقی مانده آن سخن گفته نه از عدم شستن بدن و یا حتی عدم شستن لباس، که به بررسی آن باتوجه به الفاظ دیگر حدیث می پردازیم.

عذر در شستن

در ابتدای حدیث مذکور آمده: «**ما کان لإحدانا إلا ثوب واحد**» یعنی: «هر یک از ما (زنان پیامبر) فقط یک لباس داشتیم.» و در لفظی دیگر از حدیث آمده: « **قد کان یکون لإحدانا الدرع** »[1] یعنی: «گاهی لباس یکی از ما» که برای تقلیل است چراکه حرق قد همراه با فضل مضارع چنین اقتضا می‌کند. بنابراین باتوجه به خود حدیث، برای نظافت لباس عذر وجود داشته و این عمل هم همیشگی نبوده بلکه موقت بوده است. و تنظیف و پاکیزگی نیز باتوجه به این حدیث– همانطور که مشخص می‌باشد – در خصوص لباس است نه بدن و لذا این سخن که سیده عایشه رضی الله عنها خود را نمی‌شسته است، سخنی گزاف و فاقد اعتبار است.

اندک بودن خون

در حدیث مورد استشهاد جناب معترض، آمده است: «**فإذا أصابه شيء من دم**» یعنی: « پس هنگامی که چیزی از خون بدان برخورد می‌کرد» در اینجا حرف جر «من» برای تبعیض است و مقدار اندکِ خون منظور بوده همانطور که در لفظی دیگر از حدیث مقدار آن مشخص شده که به «قطره» تعبیر شده: « **قطرة من دم** »[2] و این مقدار از خون بر اساس این حدیث سیده عایشه رضی الله عنها بعد از خشک شدن اثر آن با تراشیدن از روی لباس بر طرف می‌شود.

---

[1] - **سنن أبی داود، ج ۱، ص ۹۸ ح ۳۵۸**
[2] - **منبع قبل. همچنین بنگرید به: [سنن الدارمی، ج ۱، ص ۶۸۵ ح۱۰۵۰]**

بنابراین این حدیث و امثال آن در خصوص خون کمی است که در پاک نمودن آن تخفیف داده شده امّا اگر خون زیاد باشد، در صحیح از سیده عائشه روایت شده که آن را می‌شسته است.[۱] مؤید آن این اثر است که از سیده عایشه رضي الله عنها روایت شده که فرموده: «**كانت إحدانا تحيض، ثم تقترص الدم من ثوبها عند طهرها، فتغسله وتنضح على سائره، ثم تصلي فيه**»[۲] یعنی: «اگر یکی از ما (زنان پیامبر) دچار حیض می‌شدیم بعد از آن، هنگام پاکی، خون را از لباس خود پاک می‌کرد و آنگاه آن را می‌شست و آب بر اطراف آن می‌پاشید سپس با آن نماز می‌خواند.»

اقتضای عمل عرفی

بسیار جای تعجب است که برخی از اسلامستیزان چیزهایی را در ذهن خود ایراد و اشکال می پندارند که به اقتضای عرف و بلکه فرهنگ جامعه و ظروف مقتضی چنین عملی هرگز محل ایراد نبوده بلکه ایراد در ذهن خاطی و پریشان معترضین بوده است. مثلاً تصور کنید به مهمانی میروید و کت و شلوار بر تن کردید در حین رفتن لکه‌ای کوچک روی آستین و یا قسمتی از کت و یا شلوار مشاهده میکنید آیا کت و شلوار را از تن بیرون میاورید و میشورید بعد که خشک شد بر تن کرده و سپس به مهمانی میروید یا با اندکی نمناک کردن با آب (حتی آب دهان) لکه را سعی می‌کنید پاک نمائید؟! البته ممکن است برخی وسواس داشته باشند و کلاً از مهمانی رفتن با شرایط منصرف شوند و برخی نیز برایشان اهمیت نداشته باشد و با همان وضعیت به مهمانی خود بروند و برخی هم در پی پاک کردن آن اقدام کنند... در خصوص حدیثی که معترض به آن شبهه وارد نموده نیز یک امر کاملاً عادی بوده که نمونه های آن ممکن است در بین خانم‌های خانه دار در مواضع مختلف مثلاً در پاک کردن وسایل خانه که نیاز به شستن ندارند شایع باشد.

ثانیاً در احادیث متعددی بهداشت و نظافت فردی و ظاهری سیده عایشه رضي الله عنها بیان شده است بطور مثال ایشان در نظافت و پاکیزه کردن لباسی که با آن همراه پیامبر صلى الله عليه وسلم می‌خوابید مبالغه و زیاده رویی می‌کرد.[۳] و دربارۀ شستن بدن نیز سیده عایشه رضي الله عنها می‌گوید: « **كنت أغتسل أنا والنبي صلى الله عليه وسلم من إناء واحد.**»[٤] یعنی: « من با پیامبر صلى الله عليه وسلم در یک ظرف خود را می‌شستم.»

---

۱ - السنن الکبری للبیهقی، ج ۱، ص ۲۱: « وهذا فی الدم الیسیر الذی یکون معفوا عنه، فأما الکثیر منه فصحیح عنها أنها کانت تغسله »

۲ - صحیح البخاری، ج ۱، ص ۶۹ ح ۳۰۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۰۶ ح ۶۳۰؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۲، ص ۵۷۰ ح ۴۱۰۸

۳ - فتح الباری شرح صحیح البخاری لابن جحر، ج ۷، ص ۱۰۹: «إنها کانت تبالغ فی تنظیف ثیابها التی تنام فیها مع النبی صلی الله علیه وسلم»

۴ - صحیح البخاری، ج ۱، ص ۵۹ ح ۲۵۰؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۵۵ ح ۳۱۹

شبهه ٥: عمر و نظافت

۷٤۷۸ حدثنا إِسْمَاعِيلُ بن عَيَّاشٍ عن أبي بَكْرِ بن أبي مَرْيَمَ عن عبد الرحمن بن الْأَسْوَدِ قال كان عُمَرُ بن الْخَطَّابِ يَقْتُلُ الْقَمْلَةَ في الصَّلَاةِ حتى يَظْهَرَ دَمُهَا على يَدِهِ.

از عبد الرحمن بن أسود نقل شده است که گفت: عمر بن خطاب، شپشی را در نماز کشت؛ به طوری که خون شپش بر دست او جاری شد.

مصنف ابن أبي شيبة ج ۳ ص ۳۵۳، كتاب الصلاة ، باب: (٦۹۷) الرَّجُلُ يَأْخُذُ الْقَمْلَةَ في الصَّلَاةِ.

پاسخ:

اولاً این اثر ضعیف است، زیرا: در اسناد آن «أبو بکر بن عبد الله بن أبی مریم» وجود دارد که ائمه‌ای همچون احمد بن حنبل، یحیی بن معین،ابوداود، ابوحاتم، ابوزرعه، نسائی، دارقطنی، ابن سعد، ابن حبان، جوزجانی و ... اورا «تضعیف» کرده‌اند.[۱]

ثانیاً مفروضاً این روایت را بپذیریم، باز طعنی وارد نیست، زیرا بر اساس تحقیقات جدیدی که به عمل آمده وجود شپش چندان به عدم رعایت نظافت فردی یا عمومی وابسته نیست چرا که دیده شده افرادی که اهل نظافت و پاکیزگی بودن شپش داشتند. «مسئول گروه آموزش و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی شیراز نیز تاکید دارد که نباید ابتلا به بیماری شپش سر را ملاکی برای میزان توجه افراد به مسائل بهداشتی قلمداد و فرد مبتلا و خانواده او را به رعایت نکردن بهداشت فردی، متهم کرد.»[۲]

نتیجه پایانی:

اول اینکه: نظافت و پاکیزگی ظاهری در اسلام، یکی از مهمترین امور سفارشی شریعت می باشد بطوری که مقدمهٔ و شرط لازم برای عباداتی همچون نماز و حج و تلاوت قرآن و ... می باشد.

ثانیاً برخی شبهاتی که دربارهٔ نظافت در اسلام در فضای مجازی منتشر شده‌اند گاهی ناشی از سوء فهمم و گاهی هم خلاف واقع می‌باشد.

---

[۱] - **نگا: [تهذیب التهذیب - ابن حجر، ج ۱۲، صص ۲۸ – ۳۰ رقم ۱۳۹؛ تهذیب الکمال فی أسماء الرجال – المزی، ج ۳۳، صص ۱۰۸ – ۱۱۰ رقم ۷۲٤۱؛ الکامل فی ضعفاء الرجال – ابن عدی، ج ۲، صص ۲۰۷ – ۲۱۳]**

[2]- **http://www.isna.ir/news/95082719136**

منابع و مآخذ:

به غیر از منابع فارسی سایر منابع مندرج در این کتابچه بر اساس نرم افزار عربی (مکتبة الشاملة، الاصدار ۶۴ .۳) می‌باشد.

وب‌سایت رد شبهات ملحدین: **No-Atheism.net**

کانال تلگرام رد شبهات ملحدین: **No_Atheism@**

صفحه فیسبوک رد شبهات ملحدین: **fb.com/IslamWay1434**

کانال آپارات رد شبهات ملحدین: **aparat.com/asteira**